

بازی‌های زبان‌شناسی راهی برای رشد مهارت خواندن و نوشتن در کودکان پیش دبستانی

O نویسنده: آندره آرنکوئست

مترجم: مینا ذاکر شهرک

(Snow, Burns, Griffin, ۱۹۹۸). اکنون سؤال این جاست که چگونه این نتایج، در مورد کودکان دبستانی و پیش دبستانی، قابل اجراست؟ برای همین منظور، چندین پروژه تحقیقاتی در سوئد تشکیل شد. پروژه اول در مورد آشنایی کودکان ۵-۲ ساله به زبان بود. پروژه دوم در مورد آشنایی کودکان در همین گروه سنی، به زبان‌شناسی بود و پروژه سوم درباره کودکان ۶ ساله آماده ورود به مدرسه بود.

در پروژه اول، اعضای پروژه، کودکان پیش دبستانی را به ۱۰ گروه تقسیم کردند و مهارت‌های مختلف زبان را بررسی کردند؛ کلمات و مفهوم آن، شعر و موسیقی، داستان، قصه‌گویی. نتایج به دست آمده، روند رشد زبان را در کودکان نشان داد. جالب این بود که کلمات و شعر و داستان، برای کودکان زیر ۳ سال دشوار بود. به عبارت دیگر، کودکانی که دایره لغات‌شان محدود بود، به خواندن و نوشتن علاقه‌مند نبودند.

پروژه دوم در مورد شناخت زبان‌شناسی بود و به نظر می‌رسید که رشد مهارت‌های زبان، توانایی خواندن و نوشتن را بالا می‌برد. معلمان، کودکان را در شناخت آواها راهنمایی می‌کردند و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، آنها با شعر و کوچک‌ترین اجزای واژه‌ها، از جمله واج‌ها و هجاها آشنا شدند. برای بسیاری از کودکان، آواشناسی مشکل بود. به نظر می‌رسید کودکانی که از نظر زبان‌شناسی ضعیف

می‌شود. با این که تحقیقات روی تعداد کمی از کودکان انجام شد، ولی در برنامه آموزشی مراکز پیش دبستانی سوئد، تأثیر بسیاری داشت و نتایج نشان داد که لغات و حروف باید همراه با بازی، به کودکان آموزش داده شود.

لاندبرگ و تونئوس (۱۹۷۸)، بر نظریه خودشان اصرار ورزیدند و در مورد اهمیت یادگیری زبان‌شناسی، قبل از یادگیری خواندن و نوشتن، تحقیق کردند و به این نتیجه رسیدند که آشنایی با زبان‌شناسی، جز ضروری‌ترین شرایط اولیه در رشد مهارت خواندن و نوشتن است. با وجود این، آنها نتوانستند ثابت کنند که این توانایی، تأثیر مستقیمی در خواندن و نوشتن دارد. یکی از مهم‌ترین نتایج این بود که شناخت واج‌ها و هجاها، برای یادگیری خواندن و نوشتن، بسیار ضروری است.

هنگامی که محققان، ارتباط بین توانایی زبان‌شناسی و سوادآموزی را بررسی می‌کردند، متوجه شدند که شناخت ساختار آواشناسی زبان، با توانایی خواندن و نوشتن در ارتباط است:

Lundberg, ۱۹۹۱: (Olofsson, ۱۹۸۵), Arnqvist, Frost, Petersen, ۱۹۸۸:

نشان داده است که آموزش زبان‌شناسی به کودکان پیش دبستانی، باعث پیشرفت آنها در خواندن می‌شود؛ به خصوص هجا کردن کلمات. این نتایج، نه تنها در کشورهای اروپایی، بلکه در کشورهای دیگر نیز اثبات شد

در کشورهای اروپای شمالی، تحقیق در مورد سوادآموزی خردسالان، نسبت به ۱۰ تا ۲۰ سال گذشته، خیلی بیشتر شده است. درباره چگونگی سوادآموزی در مراکز پیش دبستانی و دبستان‌ها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقدند که لغات و حروف باید با مفاهیم آموزش داده شود (Liberg, ۱۹۹۰, Soderbergh) و همچنین، خواندن و نوشتن از سنین پیش دبستانی آغاز شود. گروه دیگر معتقدند که مراکز پیش دبستانی، فقط باید کودکان را برای خواندن و نوشتن آماده کند و آموزش رسمی، نباید قبل از مدارس ابتدایی شروع شود (Arnqvist, ۱۹۹۱-1989, Lundberg). در روش اول، آموزش لغات و حروف، جزئی از فعالیت‌های مراکز پیش دبستانی است؛ به گونه‌ای که کودکان، به صورت بازی با حروف آشنا می‌شوند. در روش دوم، تا زمانی که کودک از نظر زبان‌شناسی برای یادگیری خواندن و نوشتن آماده نشده، هیچ‌کس نباید لغات و حروف را به او آموزش دهد. این مقاله، به تأثیر این دو روش بر سوادآموزی کودکان، در مراکز پیش دبستانی، کودکانستان‌ها و مدارس ابتدایی کشورهای شمال اروپا می‌پردازد.

تفاوت‌های این دو نظریه، در تحقیقات ذیل مشخص شد: (Sederbergh Liberg (۱۹۷۰) (۱۹۹۰). هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که کودکان، قبل از ورود به مدرسه، می‌توانند بخوانند و بنویسند. به نظر آنها زبان نوشتار، همانند زبان گفتار یاد گرفته

زندگی‌شان را می‌نوشتند و گروه دیگر کتاب‌ها را می‌خواندند.

نتیجه‌گیری:

نتایج به دست آمده از این پژوهش‌ها به این شرح است:

در وهله اول، از مهم‌ترین شرایط اولیه برای یادگیری خواندن و نوشتن، توانایی زبان‌شناسی است. این توانایی، در بین کودکان متفاوت است. والدین نقش بسیار مهمی را در این زمینه دارند. دوم، آموزش زبان‌شناسی نیز در سوادآموزی بسیار مهم است.

آشنایی کودکان با کوچک‌ترین اجزای واژه‌ها باعث می‌شود که آنها حروف و لغات را بهتر بشناسند. این امر سرانجام، باعث بالا رفتن انگیزش آن‌ها در سوادآموزی می‌شود و در نتیجه، قبل از ورود به مدرسه، می‌توانند بنویسند و بخوانند. سوم، این تحولات در فعالیتهای مراکز پیش دبستانی اثر گذاشته، باعث شده که چگونگی آشنایی کودکان به زبان در این مراکز، یکسان شود و در نتیجه، همه کودکان، قبل از ورود به مدرسه بتوانند بخوانند و بنویسند. و بالاخره، می‌توان گفت که نگرش‌ها نسبت به ۲۰ - ۱۰ سال گذشته، در مورد این‌که چه زمان و چگونه کودکان باید خواندن و نوشتن را بیاموزند، تغییر کرده است. روش تدریس در مراکز پیش دبستانی، به خاطر سپردن آواها و هجا کلمات است و گاهی، به صورت بازی آموزش داده می‌شود.

پروژه‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، راهکارهایی در مورد چگونگی آموزش خواندن و نوشتن بود. این تحقیقات، به وضوح نشان داد که می‌توان سوادآموزی را قبل از ورود به مدرسه، آموزش داد و با خواندن کتاب و شعر، کودکان را با لغات بیشتری آشنا کرد. بازی‌های زبان‌شناسی (مثل هجا کردن لغات و شمارش آن‌ها) را از سن ۵ - ۴ سالگی می‌توان شروع کرد و بالاخره در ۶ - ۵ سالگی، می‌توان آواشناسی را آموزش داد. این‌ها نمونه فعالیت‌هایی است که در مراکز پیش دبستانی، به منظور آمادگی کودکان برای خواندن و نوشتن، انجام می‌شود.

عنوان:

Linguistic games as a way to introduce reading and writing in preschool groups.

منبع:

Childhood Education Infancy Through Early Adolescence, Vol. ۷۶, No ۶, ۲۰۰۰.



اول، که در یک سال گذشته شروع به کار کرد، بین معلمان مراکز پیش دبستانی و دبستان‌ها همکاری کمی ایجاد شد. تعداد کمی از کودکان می‌خواندند و می‌نوشتند و بیشتر فعالیتهایشان در بازی‌های کودکان بود. کودکان ۶ ساله، به ندرت به سمت آموزگاران ابتدایی می‌رفتند. در گروه دوم، همکاری بین معلمان دبستانی و مراکز پیش دبستانی بیشتر بود. کودکان حدوداً ۲۵ درصد وقت‌شان را با آموزگاران دبستانی می‌گذراندند و بقیه اوقات‌شان را با معلمان پیش دبستانی صرف می‌کردند. آموزگاران دبستان خواندن، نوشتن و ریاضی را آموزش می‌دادند و مربیان پیش دبستانی، با کودکان بازی‌هایی در موضوع‌های مورد نظرشان انجام می‌دادند؛ از جمله بازی‌هایی در زمینه زبان، ریاضی، هنر و موسیقی. به عبارت دیگر، دبستان‌ها به موضوعات آموزشی و مراکز پیش دبستانی، به خود کودک توجه دارند.

بیشترین همکاری در گروه سوم ایجاد شد. فعالیتهای کودکان (۹ - ۶) ساله، به مدت ۱۰ - ۵ هفته طول کشید. در طول کار گروهی، کودکان فعالیت‌های زیادی برای انتخاب داشتند، آن‌ها می‌توانستند بخوانند یا داستانی بنویسند، آزمایشی انجام دهند یا نمایش بازی کنند. معلمان به سوادآموزی توجه بیشتری داشتند و به همین دلیل، کودکان در طول روز، موضوعات مختلفی برای نوشتن داشتند. گروهی از بچه‌های ۶ ساله، داستان

هستند، آواشناسی هم برای‌شان مشکل است. اعضای پروژه همه مصاحبه‌ها را ثبت کردند و بیشترین توجه‌شان، به رشد توانایی زبان در کودکان پیش دبستانی بود.

به عقیده معلمان، زبان‌شناسی روی جنبه‌های دیگر زبان، از جمله خواندن و نوشتن، اثر می‌گذارد. بسیاری از معلمان نیز می‌گفتند که بعد از این‌که کودکان با واج‌ها و هجاها آشنا شدند، خودشان به دنبال این می‌روند که چطور باید بخوانند و بنویسند. در پاسخ، به آنها لغات و حروف آموزش داده می‌شود. آخرین پروژه در مورد کودکان ۷ - ۶ ساله بود. در سال ۱۹۹۸، مسئولان در سوئد، کلاس‌های پیش دبستانی را دایر کردند و در آن‌جا کودکان، به صورت بازی، با ساختار زبان‌شناسی آشنا می‌شدند. این برنامه‌ها برای کمک به یادگیری زبان توسط کودکان بود. معلم‌ها در اوقات فراغت، با آن‌ها در مورد این‌که چرا باید خواندن را یاد بگیرند، بحث می‌کردند. هدف دیگر برنامه‌های پیش دبستانی، ایجاد هماهنگی فعالیت‌ها در این مراکز بود؛ چرا که این هماهنگی‌ها در فراگیری خواندن و نوشتن و چگونگی روش تدریس در دوران ابتدایی، تأثیر می‌گذاشت. آموزگاران ابتدایی باید به استعداد خاص هر کودک توجه داشته باشند.

گزارش نتایج به دست آمده، تفاوت‌های زیادی بین این سه گروه نشان داده است. در گروه